



<http://www.arianafghanistan.com>

عنوان مضمون: ایران و استفاده حربی از پناهجویان افغان

اسم: ف، هیرمند محل سکونت: فرانسه تاریخ: 11.06.2016

دوستان عالیقدر، جنابان هریک محترم "انوری صاحب"، "مایار صاحب" و "سدید گرامی و دانشور" و خواهر عزتمند ما محترمه "ملال نظام"!

نخست از اینکه آن نوشته ناچیز این حقیر را ملاحظه کرده و لایق ابراز نظر دانستند، عمیقاً سپاس گزاری می نمایم، شما هر یک مثل همیشه سرافراز باشید.

میدانم که در شرایط فعلی هر قدر بکوشیم موضوعی را همه جانبه تهیه و تتبع کرده و در خدمت مخاطبان قرار بدهیم باز هم گوشه ای از مطلب نا گفته باقی می ماند و این شاید به سبب در آمیختگی اسباب و علل مسائل گوناگون در رویداد ها باشد یا رویداد داد ها به گفته ای کثیر الاسباب باشند که این امر ادخال و توضیح در هر "سبب"، کار قلمبست را پیچیده می سازد. و باز هم شاید به همین علت بوده که "موضوعیت" تتبع را علما به حیث قاعده ای برای خوب منهک شدن در اصل موضوع اساس گذاشته اند.

و من مبتدی در این کسب قلمفرسایی، به همین قاعده کمی پابندی نشان داده ام، یعنی سعی بر آن بوده تا صرف بر "تخلف دولت ایران و استفاده نظامی از هموطنان مهاجر ما خلاف اصول موجود در این عرصه" را متذکر شوم در حالی که "علل پناهجو شدن و متوسل گردیدن به مهاجرت" از نظر من شاید نیاز به تحقیق و پژوهش جداگانه داشته باشد که می تواند موضوع مستقل دیگر برای یک تحقیق جامع مورد توجه قرار داده شود. دولت افغانستان هم به جز رجوع به همان اصول نامبرده در نوشته، کدام دلیل قوی دفاعی در برابر دولت ایران نخواهد داشت، این درست که این حاکمیت موجود در وطن ما تا هنوز به فکر توجه به مردم ما منجمله پناهجویان افغان نه افتاده است. جهت دیگر مسأله این خواهد بود که هموطنان پناهجوی ما در ایران و در پاکستان و هر کشور دیگر به سبب رعایت اصل حاکمیت ملی آن دول، در وضعیت آسیب پذیر و شکننده ای قرار دارند که ما قلم بدستان را در حالتی قرار میدهد تا در برابر این دول از "بینی بالا" حرف نزنیم و اگر نه "ناخن افکار" ما را می فشارند، یعنی شرایط را بر هموطنان مظلوم پناهجوی ما دشوار و دشوارتر خواهند ساخت پس در این چنین حالت است که ما ناگزیر به رعایت همان اصول بین المللی مربوط به همین عرصه تمسک بجوئیم و عمل و فعل دولت ایران را تخلف از آن اصول محسوب کنیم.

باز هم از توجه دقیق و ژرف هر یک از عالی جنابان معزز منونیت ابراز میکنم آخر همین توجهات بزرگان است که آدمی بیش از پیش سعی به تعمیق به مسائل مطروحه می نماید.

با خلوص و صفا
ف، هیرمند

اسم: ملالی موسی نظام محل سکونت: ایالات متحده آمریکا تاریخ: 11.06.2016

آقای ف. هیرمند، سلام بر شما،

ازینکه محقق و حقوق دان دانشمندی چون شما را در حلقه همکاران مطبوعاتی داشته ایم، جای خوشنودی بوده و امکانات مراجعه و طلب معلومات آفاقی حقوقی و قانونی را در مسائل امروزی، بدون اغراق خیلی ها ساده و ممکن ساخته است. البته لطف، تواضع، سطح معلوماتی جامع و روحیه همکاری تان در چنین زمینه هایی برای خوانندگان و مراجعین، غنیمت بزرگی شمرده می شود. در مورد مهاجرت های افغانان مجبور و شرایط حادی که بعضی از ممالک میزبان «!» مخصوصاً ایران و پاکستان بر پناهندگان مجبور و بیچاره افغان تعمیل می نمایند، چه مقررات بین المللی حقوق پناهندگان و منشور های مؤسسات خیریه جهانی، مثلاً ملل متحد در زمینه مقرراتی را وضع نموده باشند و یا نه، همانطور که استدلال نموده اید، به حال آن بینوایان که جبر زمان و بی کفایتی اولیای امور سرزمین خودشان در تهیه حد اقل وسایل معیشت، سبب اقامت آنان در سر زمین های غیر گردیده است، تفاوتی نمی نماید. اگر ایران بخواهد مهاجرین افغان را به هر نوعی که خواسته باشد، اداره و استعمال نماید و در عوض اجازه اقامت آنان را تمدید کند و یا کدام امتیاز دیگری را وعده دهد، هیچ قانون و مقرره ای جلوش را گرفته نمی تواند.

در ارتباط به موضوع فوق، چندی قبل مضمونی از بی بی سی تحت عنوان «افغانستان اعزام افغان ها به سوریه توسط ایران را بر رسی می کند» با اضافاتی منحیث تبصره از جانب آریانا افغانستان آنلاین، درین وبسایت منتشر شد که اینک لینک آنرا ضمیمه این یاد داشت ارائه می نمایم.

به پناه ایزد توانا باشید.

لینک مرتبط...

جناب محترم ف. هیرمند بسیار عزیز سلام،

به قلم تان برکت، عمر تان دراز و همیشه شاد و صحت و کامگار باشید.

می خواستم بعد از خواندن مقاله آموزنده و زیبایی تان نظری ارائه کنم، اما وقتی نظر جناب

احسان الله مایار و جناب انوری صاحب را مطالعه کردم دیدم چیزی برای گفتن باقی نمانده است،

به خصوص وقتی که جناب احسان الله مایار با نوشته مختصر ولی جامع شان، موضوع را با سنجیدگی

لازم از زوایای متعدد مورد مذاقه قرار داده اند.

امید شما و قلم تان هرگز روی خستگی را نبینید!

اسم: احسان الله مایار محل سکونت: ویرجینیا امریکا تاریخ: 02.06.2016

دوست عزیز و دانشمند جناب ف. هیرمند.

چند روزگی بنابر سرگردانی روزمره زندگی به سراغ همه دریچه های مرغوب سایت ما رفته نتوانستم، لیک امروز مضمون شمارا زیر عنوان «دولت ایران و استفاده حربی از پناه جویان افغان» مطالعه کردم. از مطالعه مقاله های شما می آموزم، زیرا مسائل داغ روز را مورد مطالعه قرار می دهید و با تحلیل علمی تان در شق تحصیل تان بالای همه جوانب آن با درایت خاص روشنی انداخته که از هر نگاه قابل قدر است. خیر در پیش تان و برکت به ذهن و قلم تان.

بنده در مسائل حقوقی این موضوع به خود اجازه نمی دهم تا وارد بحث شوم، لیک در موضوع اصل قضیه اعنی مهاجرین افغانی که خود شاهد طرز زندگی این انسان ها در ایران و پاکستان بوده ام و در وقت و زمانش داد زده ام که به نام خدا و انسانیت بالای این انسان های بی گناه و دربردر رحم کنید، چند سطر می نویسم.

چون متیقّم که طلیعه رحم در وجود و ذهن تعداد بی شمار حکام افغانستان امروز یک تفکر بیگانه است لذا انتظار ندارم که آنها از حال مردم افغان یادی کنند.

نزد بنده بعضی پرنسپ های در زندگی و تفکر حک شده که از آن بیرون بر آمده نمی توانم. از جمله یکی آن، بلند شمردن منافع یک کشور از کشور بیگانه است. دست اندر کاران افغانی امروز که با سرنوشت خاک و ملت افغان بازی می کنند انتظار و یا توقع دارند که رهبران ایران و پاکستان منافع کشور و ملت خود را فدای چشمان زیبای افغان ها و خاک افغانستان کنند، لیک متوجه نیستند که این آرزو تنها و تنها در خواب می گنجد نه در واقعیت.

من کمتر گلایه ای از ایرانی ها دارم که اتباع افغان را در جنگ های سوریه و یا هر جای دیگر در شرق میانه می فرستند و قربان منافع کشور و سیاست خود می کنند. چرا نکنند؟

بنده را چیزی که رنج می دهد بی رحمی و بی پروائی رهبران امروز افغان است.

امروز ملینارد ها دالر امریکائی از آغاز تهاجم امریکا و مؤتلفین ناتوی وی در افغانستان سرازیر شده و بار اول در تاریخ افغانستان ملیونر های دالر که تعداد شان بی شمار است افغانستان و ملت آنرا تسخیر نموده و آن مولود به نام رحم، اگر کسی این لغت را در محافل افغانی استفاده کند، وی را مانند وکیل واقعی مردم کابل، رمضان علی بشر دوست، دیوانه خطاب می کنند. بلی ما در قاموس این انسان های بی رحم دیوانه های بادسار استیم که بالای احساس و درد ما می خندند.

ببینید بیش از دوصد و چند هزار جوان افغان از ترکیه گرفته تا آلمان در خاک های بیگانه عقب یک لقمه روزی سرگردانند. کی در غم شان است؟ وزیر . . . مربوط و وزیر خارجه افغانستان به آلمان اخطار میدهد که مهاجرین مارا دوباره به افغانستان بر نگردانید! این است سیاست افغان های ملیونر که انسان با دست فراخ می تواند آنها را تنها و تنها به لعنت شیطان بسپارد و بس.

من درد بیشمار تان را در نوشته تان خوب درک می کنم، لیک با صراحت اذعان می نمایم که ما و شما در احصائیه از صفر اعشاریه چندین صفر و در آخرش یک رقم قرار داریم که راه بیرون رفت هم نداریم. انسان های بیگانه و محروم افغان ما در نظامی زندگی میکنند که صله رحم به خاک سیاه سپرده شده و انتظار بهبود وضع را دیده نمی توانم و اجساد بی نفس افغان ها، برادر های من و تو در کویر های سوزان شرق میانه طعمه جناوران و پرندگان خواهند شد و تغییری در آن وارد کرده نمی توانیم.

برادر عزیز! معذرت می خواهم که ماحول خود را در تاریکی سیه چال مانند، دیده ام، امید است و آرزو مندم که اشتباه کرده باشم. بردار تان مایار

اسم: حمید انوری محل سکونت: امریکا تاریخ: 29.05.2016

جناب محترم هیرمند صاحب موضوع بسیار مهم و حیاتی را در مورد اعزام مهاجرین افغان از ایران به جبهات جنگ سوریه زیر بحث گرفته اند که زحمات شان در مورد قابل تقدیر و احساس پاک و وطنپرستانه و مردم دوستانه شان در خور ستایش است.

جمهوری اسلامی ایران در چندین جبهه مشغول تخریب، توطئه و مداخلات گسترده سیاسی - نظامی و نیز فرهنگی - اقتصادی هستند. در زمان تجاوز اشغالگران روسی بر افغانستان نیز همین آخند های شرف باخته ایرانی بودند که هموطنان مظلوم مهاجر ما را از ایران به جبهات داغ جنگ ایران - عراق می فرستادند تا پیشمرگ سپاه پاسداران آخند ها گردند و از آنطرف اجساد تکه پاره شان به ایران آورده می شد و بصورت گمنام در گور های بی نان و نشان به خاک سپرده می شد.

در آن هنگام نیز هیچ افغان باوجدانی از جمع مهاجرین افغان در ایران بصورت داوطلبانه راهی جنگ ایران - عراق (جنگ مسلمان با مسلمان) نمی شدند، بلکه همین حزب وحدت مزاری - خلیلی - محقق بود که از احساسات پاک هموطنان ما استفاده ناجایز نموده و آنان در در بدل یک مشت پول و وعده بهشت به کشتارگاه می فرستاد.

امروز نیز نظر به اعترافات تعداد زیادی از اسراء، آخند های ایران در بدل فرستادن هموطنان مظلوم ما به جبهات جنگ سوریه، برای خانواده های آن مظلومان اجازه اقامت در ایران را داده و یک مشت پول به بازماندگان شان می دهند.

این قصه و این تراژیدی قرن سر دراز دارد. آخند های ایران پابند هیچنوع میثاق بین المللی نیستند و حکومت نصب شده در افغانستان در بیشتر از سه دهه گذشته هم همه غیر قانونی و غیر ملی بوده اند. و اما تا زمانیکه در کشور بریاد داده شده ما یک حکومت ملی - مردمی و جوابگو و مسؤول عرض اندام کند، بر همه هموطنان ما است که توطئه های کشور های خارجی دور و نزدیک به شمول ایران و پاکستان را در حد توان افشاء نموده و وظیفه ملی و میهنی خویش را انجام دهند.

یکبار دگر ممنون از هیرمند صاحب گرامی.